

# تأثیرات فرهنگی هرات بر آسیا

## ۱\_ هرات و تیموریان:

هرات در قلب آسیا یکی از بلاد مرکزی خراسان بود، که در دوره بعد از اسلام همواره مرکز معروف تجارتی و پرورشگاه هنر و فکر و فرهنگ شمرده میشد، زیرا این شهر مشهور بر سواره تجارتی خراسان واقع بوده، که غرباً آنرا با مراکز مهم اقتصادی و سیاسی دیگر خراسان یعنی نساپور اتصال میداد، و شمالاً هم با پایتخت دیگر خراسان، یعنی مرو شاهجان، و از آنجا با بخارا و سمرقند متصل بود، که از آنجا راههای بسوی شرق و وادی سند و برعظیم هندوستان از راه وادی پشین و دره بولان داشت. وهم ازینرواست که هرات را از نگاه اقتصادی و تجارتی با صلاح جغرافیا نگاران قرون نخستین اسلامی و عربی "باب الهند" گفتندی، و همواره گذرگاه افکار و پرورش گاه هنر و دانش و مدنیت بودی.

در عصر اسلامی هنگامیکه نهضت های ملی خراسانیان، از اواسط قرن اول هجری در مقابل سلطه لشکری عرب آغاز شده بود، هرات یکی از مراکز این نهضت ها بشمار میرفت، که از آن جمله جنبش قارن را در سنه ۳۲ هـ و باز نهضت استاد سیس بادغیس هروی را در سنه ۲۵۰ هـ بطور نمونه ذکر توان کرد، که سه صد هزار مرد جنگی در خراسان بدور او فراهم آمده بودند.

جنبش های آزادی خواهان خراسانی، در مقابل سلطه لشکری امویان و عباسیان بغداد، نتایج دلخواهی داد، و در آغاز قرن سوم هجری طاهریان پوشنگ هرات نخستین بار پرچم استقلال برافراشتند، و در عصر صفاریان سیستانی و سامانیان بلخی و غزنویان و غوریان هم هرات همان مرکزیت سیاسی و اقتصادی و هنری داشت، ولی هنگامیکه بعد از ۶۱۸ هـ یغماهای چنگیزی بر بلاد معمور آسیای وسطی آمد، هرات نیز زیانهای سنگین برداشت و خسارات کمرشکن رادید.

آخرین پادشاه دودمان چنگیزی سلطان ابو سعید بهادر در سنه ۷۳۶ هـ درگذشت، و همدین سال جهانکشای دیگری در همین دودمان دنیا آمد، که او را تیمور گفتند. این فاتح بزرگ از ۷۸۲ تا ۷۹۲ هـ تمام سرزمین خراسان و ایران را کشور، و در سنه ۷۹۲ هـ بقایا شاهان آل کرت هرات را هم از بین برد، که وسعت فتوحات او از دهلی تا استانبول میرسید، و پایتخت او سمرقند مرکز یگانه آسیا گردید.

افغانستان در هنگام فتوح چنگیز و تیمور کشمکشها و زیانهای عظیمی را دید، ولی هنگامیکه احفار و بازماندگان این جهانگیران مشهور آسیا، در پرورشگاه ثقافت و مدنیت خراسان پرورش یافتند، شاهان هنر دوست و مدنیت پروری بار آمدند، و بسا مبانی خیر و فرهنگ انسانی را هم پروردند.

چون همواره با ایجاد و تنظیم عوامل اقتصاد پیشرفت سیاست و ثقافت میسر است، و فرهنگ و هنر انسانی هم زیر اثر دوره‌های مختلف اقتصادی نشوونما میکند، پس با بوجود آمدن سلطنت‌های متمرکز و فراهمی عوامل اقتصادی مساعد، پادشاهان تیموری توانستند، یک محیط پرورنده‌ی را برای پیشرفت فرهنگ و هنر بوجود آورند.

دوره خود تیمر و از ۷۷۱ تا مرگ وی ۸۰۷ هـ در جنگها و جهانگیریها و کشمکش‌های لشکری گذشت، ولی بعد ازو پسرش شاه رخ که در محیط مساعد خراسان تربیه دیده بود، در هرات بر اریکه شاهی نشست، و مراکز مهم چهارگانه خراسان نشاپور\_هرات\_ مرو\_ بلخ تا سمرقند که پرورشگاه فرهنگ آسیای میانه بوده، و در لشکرکشی‌های چنگیزیان خسارات کمرشکن دیده بودند، واپس مراکز پرورش فرهنگ و هنر شدند، و در باره هرات که آنرا دران زمان عروس البلاد آسیا توان گفت، محل تشعشع مدنیت و نور افشانی هنری و فرهنگی گردید.

در دوره شاهی شاهرخ که مدت کمی از نیم قرن دوام کرد، در هرات ابنکیه مجلل و مدارس و هنر خانه‌ها بوجود آمد، و ملکه او گوهر شاد همان شه بانوی هراتیست، که بامر او شهکارهای فن تعمیر ساخته شده است. و پسرش اولوغ بیگ نیز مرد دانشمند و عالم بزرگ ریاضی و هیئت و نجوم بود. کشور شاهرخ بمرکزیت هرات از سیحون تا بحیره عرب از پارس تا مجاری سیند پهنایی داشت، و دوره سلطنت این پادشاه مدنیت یازده سال دوره هرج مرج شهزادگان تیموری دوام داشت، تا که در سنه ۸۵۰ هـ سلطان ابوسعید بن محمد میرانشاه بن تیمور هرات و زابلستان و تمام خراسان را گرفت، و تا یازده سال دیگر حکم راند، و عاقبت در سنه ۸۷۳ هـ کشته شد، و همدرین سال بود که سلطان حسین میرزاد بن غیاث الدین منصور و نواسه بایقرا بن عصر شیخ بن تیمور در هرات بر تخت شاهی نشست. دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا تا ۹۱۱ هـ مدت سیو هشت سال دوام داشت، و درین وقت بود که مردم خراسان به آرامی و خرمی زیستند، و استعدادهای هنری خود را در هنر خانه‌های هرات بوجه احسن بروز دادند، و مبادی حسنه هنر و پروری دوره شاهرخ را پرورند، و دوره درخشان رینسانس هنری آسیا را بوجود آورند، که متأسفانه این عصر درخشان هنر و فرهنگ با مرگ وی سپر شد، و هرات زیبا بعد ازو در بین اختلاف شهزادگان و حصلات صفویان شیبانی خان نتوانست همان ریعان هنری خود را نگهداری نماید.

## ۲\_ خراسان بحیث پرورشگاه کلتور جدید اسلامی و عناصر تامین فرهنگ:

در دوره‌های قبل از اسلام مردم خراسان نظام زندگی و خصایص اجتماعی و مدنی و کلتوری خاصی بین دو مدنیت هندی و پارس در یک آمیز و گلاسه کلتوری متوسطی داشته اند، که عناصر شمالی آریایان ماوراء النهری را هم داشت. با ورود اسلام در قرن هفتم میلادی عناصر کلتوری اسلامی و عربی نیز دران آمیخت که در عالم هنر و صنعت و ادب و دین و معیشت، خصایص هنگفتی را از فکر و هنر اسلامی را

طول چند قرن اقتباس کرد.

هنگامیکه در قرن سوم و چهارم هجری برخی از عناصر ترکی بدربارهای خراسان و حتی بمراکز خلفا راه یافتند، در عصر غزنویان و سلجوقیان فرهنگ خراسانی خصایص مهمی را از ایشان پذیرفت، تا که با هجوم چنگیزیان عناصر فرهنگی مغولی و چینی نیز دران راه یافت، و یک کلتور مشترک جامعی در آسیای میانه بوجود آمد.

تیمور و اخلاف او در سمرقند و هرات و بلاد ایران، در چنین محیط فرهنگی جامع و کاملی بوجود آمدند، که زبان دری از سواحل گنگاتا استانبول نفوذ و رشد ادبی داشت، و هنر آسیایی میانه نیز از منابع متعدد تیک تمن مرکب اسلامی آب میخورد، و ما میتوانیم عناصر اساسی این کلتور قرن ۷\_۸\_۹ هجری را چنین تجزیه کنیم:

الف: عناصر اساسی ثقافت باستانی و موروث کهن خراسان که در ازمنه قبل از اسلام درین سرزمین موجود داشت، و در عصر طاهریان و سامانیان و صفاریان و غزنویان در بلاد بخارا\_بلخ\_هرات\_زرنج غزنه\_بست\_نشاپور\_سمرقند و غیره بمرتبہ نضهج و ثبات رسیده بود.

بهره اساسی این فرهنگ خراسانی را دری و ادبیات وسیع آن توان شمرد، که در قرن ۷\_۸ از استانبول تا گنگا پهن شده بود، و بازبان عربی حقا همسری داشت.

ب: عنصر دوم این فرهنگ خراسانی دین اسلام و ثقافت عربی بود، که بوسیله رابوط قوی اقتصادی و دینی آمیزش یافت، و مرکبی نفیس و زیبا را آفرید، که ما آنرا فرهنگ خراسانی اسلامی گوئیم. درین مجموعه کلتوری شعر و هنر بدیعی همه بزبان دری است، ولی آثار علمی در طب و ریاضی و فلکیات و دیگر علوم بزبان عربی نوشته شده، و زبان دری هم کم کم درین ساحه ها وارد میشده است.

ج: چنانچه گفتم عنصر سوم این ترکیب فرهنگی فرا آوردهای ترکیست که در خراسان رنگ بومی را بخود گرفت و ازینجا در فرهنگ وسیع آسیایی راه یافت که در شرح این مطلب قول مورخ انگلیسی گیب در "تاریخ شعر عصر عثمانیان" شنید نیست وی گوید:

"مدرسه هرات شعر غنایی و غزل را بخصوص پرورید، و آنرا ارزش هنری و بدیعی داد، دربار پادشاه فضیلت و ادب پرور سلطان حسین بایقرا درین ادب پروری بمرتبہ اوج و کمال رسید، و ادب هرات بسعی جامی و امیر علی شیر آنقدر کاملتر و مؤثرتر گردید، که این هر دو ستارگان آسمان ادب در دوره دوم ادبیات ترکی عثمانی از ۴۵۰ تا ۱۶۰۰م از حمله پیشوایان گرانمایه ادب بشمار می آیند."

د: عناصر مدنیت های هندی و چینی نیز از راه رابوط اقتصادی و صنعتی به خراسان میرسیده و همواره مردم خراسان با این دو سرزمین پهناور رفت و آمد تجارتنی و مبادلات اقتصادی داشته اند، و حتی دربارهای غزنه و هرات را با این و مملکت شرقی رابوط سیاسی و سفارتنی هم بوده است.

### ۳\_ خصایص هنری کلتوری خراسانی:

يك مجموعه بسیار تنفیس ارزنده فرهنگی، که از عصر تیموریان خراسان از هرات\_ سمرقند\_ بخارا\_ مشهد\_ بلخ و دیگر بلاد باقی مانده، آنقدر جامع و زیبا و گرانمایه است که یقیناً شهکارهای بزرگ هنری در آن موجود است و خصایص برجسته آنرا چنین توان شمرد:

اولاً: هنر خطاطی بمعراج خود رسیده بود، که بقول هنر شناسان، ترتیب و آرایش و نوشتن کتاب را بدین زیبایی و مهارت هیچکس در هیچ گوشه دنیا ندیده است. انواع خطوط زیبایی این دوره نسخ و تعلیق و مجموعه هر دو نستعلیق است که بسلسله ثلث و ریحان و رقاع و دیگر انواع خطوط عربی از رسم الخط مشهور به کوفی متفرع گردید، و همین خط کوفی در عصر سامانیان و غزنویان و سلجوقیان و غوریان و تیموریان از سادگی سابقه خود برآمد، و مانند يك هنر نفیس و زیبا در کتابها و ابنیه و سنگ نبشته ها و الواح قبور مورد استعمال قرار گرفت، و تاکنون هم برابنیه افغانی نوشته میشود. و هنگامیکه در قرن هفتم از خط نسخ، شیوه تعلیق و بعد ازان از خلط و امتزاج هر دو در قرن هشتم نستعلیق در سر تا سر آسیا بطور هنر زیبا انتشار یافت، مخترع این هنر نیز قبله الکتاب میر علی خطاط معروف دربار تیموریان هرات بود، و توابع دیگر این شیوه هنروری جعفر بایسنقری\_ مولانا اظهر\_ سلطان علی\_ شهزاده ابراهیم بن شاهرخ\_ و بایسنقر میرزا و دیگر خطاطان زبردست بدبار و شهزادگان هنر پرور هرات ربط داشته، و صدها نفر خوش نویس ازین مکتب هنری، صنعت خود را در سر تا سر آسیا رواج داده اند.

ثانیاً: مقارن بارواج هنر کتاب نویس دو هنر زیبای دیگر نیز رواج یافت: اول میناتور و نقاشی اشکال و مناظر و آرایش آن بانواع تزیینات دلکش، که این نیز در مدرسه هرات پرورش کامل یافت و در عصر شاهرخ، خلیل نقاش از سوان نقاشان بود، و در مکتب بایسنقر میرزا نیز نقاشان ماهر مانند امیر شاهی سبزواری و غیاث الدین وغیره پرورده شدند، و بقول اساتید هنر شناس، نقاشان این عهد از هنر چینی نیز عناصری اقتباس میکرده اند، ولی آنرا در داخل هنر خود، با مهارت تام چنین تحلیل کرده اند، که ازان شیوه بسیار دلکش و قوی نقاشی هرات بوجود آمده است.

مکتب نقاشی هرات بر هند و خراسان و پارس اثر عمیقی دارد، و بقول دکتر زکی حسن این عصر را دوره زرین هنر میناتور توان گفت. زیرا پدر میناتورست های آسیا کمال الدین بهزاد در همین هرات پرورش دید، که شاگرد سید احمد نقاش دربار سلطان حسین بایقرا بود، و سبک نقاش بهزاد شهرت جهانی یافت، و او از بزرگترین اساتید مکتب هنری هرات شمرده میشود، که يك دسته شاگردانش هنر نقاشی او را بهر طرف رواج داده اند، و قاسم علی هروی با پیروانش آقا میرک\_ سلطان محمد\_ میرزا علی\_ مظفر علی\_ میر سید علی\_ در پارس و هند و بخارا همین روش هنری را پرورده اند، و حتی به ترکیه هم نفوذ کرده است.

نفوذ هنری هرات در پارس بوسیله آثار سلطان محمد نور شاه محمود نشاپوری\_ میر علی رضا عباس\_

محمود مذهب\_مولانا یاری\_میرک\_حسن بغدادی\_عبدالله شیرازی\_ و دیگر هنرمندان نامی انتشار و مقبولی تام یافته است.

هنگامیکه در دوره ریعان هنری، شهر هرات مورد تاراج صفویان قرار گرفت، پس اکثر هنروران و دانشمندان دربار شهزادگان هنرپرور تیموری، به بخارا و هند پناهنده شدند، که از انجمله زین الدین محمود مذهب و عبدالله مذهب بدربار بخارا رفتند، و در آنجا آثار برگزیده هنری را بخوجود آوردند و شاگردان ماهری را پروردند.

هنر دیگر مدرسه هرات که در تمام آسیا رواج یافت، تذهیب و زرنگاری کتب است که مذهبان باکمال مهارت و استادی نسخ قرآن و دیگر کتب را زراندود میکردند، حواشی و عناوین و فصول آنرا باشکال هندسی و گل و برگ و شاخ و هم به اشکال انسان ها و پرندگان و جانوران می آراستند، که این طلاکاریها و تذهیب در اکثر نسخ خطی زراندود بنظر می آید.

با این دو هنر کتاب آرابی، فن تجلید و وقایه سازی هم پیشرفت، و بساجلدهای نفیس را بانرنگها و نقش و نگار دلکش برای کتب می ساختند، که بقول مستر دیمانند نفوذ این هنر تا ایتالیا و تمام اروپا هم رسیده بود.

نمونه بهترین خطاطی، نقاشی، تذهیب، تجلید مدرسه هرات شهنامه ایست که بخط جعفر بایسنقری در ۸۲۳هـ نوشته شده و ۲۲صفحه نقاشی زبده و عالی دارد، که بقول پرفیسور د،برت هنر شناس موزه برتانیه، بهترین کتابیست که در تاریخ بشریت از نظر خط\_تذهیب\_کاغذ\_نقاشی\_صحافت\_تجلید و دیگر خصوصیات هنری بوجود آمده، و این شهکار هنری بشر، بدست استادان هرات ساخته شده است.

۳\_خصوصیت سومین کلتور عالی خراسانی، هنر بنام است که در عصر تیموریان هرات باوج خود رسیده بود، و معماران آن عصر بساختن ابنیه عالی و زیبا پرداخته اند، که نقشه و بنا و گنبد ها و رواقها و منارهای عمارات هم زیبا و هم درخور استفاده بود، مناظر بیرونی ابنیه خیلی دلکش و از لحاظ کاشی کاری ملون و زرنگاری و یا نقاشی در خشت و سنگ امیزی و گچ کاری و ابنیه کاری در نهایت نفاست و دلکش است که بیننده از دیدن آن خط می برد و مات و مبهوت میگردد.

بنای مزار شریف در بلخ و گنبد کاشی کاری گوهر شاد هرات و برخی ابنیه مسجد جامع آن شهر، و ابنیه مشهد امام رضا که بامر ملکه گوهر شاد ساخته شده اند، از بهترین آثار هنر معماری این دوره باقی مانده اند.

فرهنگ خراسانی با این جامعیت و زیبایی و زبدهگی، بهمت مردم این سرزمین که قریح خلاق و استعدادهای ارزنده یی داشتند بوجود آمد، و درین کاروان زندگی رجال برگزیده و هنر پروری امثال امیر علی شیر نوایی و شاهرخ و بایسنقر و بایقرا رهبری و سارابانی داشتند، که اکنون ما کرانامه های بزرگ هنری و مدنی ایشانرا تحسین و تقدیر میکنیم.

#### ۴\_ شخصیت و فرهنگ پروری میر علی شیر:

فرهنگ خراسانی با شکل فریبنده و جامعیت و زیبایی تامی که داشت در هرات پایتخت زیبایی تیموریان با عناصری که ذکر رفت تشکیل کرد، و در عصر شاهرخ شالوده‌های آن بر اساس های متین گذاشته شد. ولی زمان بهره برداری از آن عصر سلطان حسین بایقرا بود، که وزیر اعظم این زمان امیر علی شیر نویی مرد عالم و سیاست مدار و شاعر زبان اوزبکی و دری، هنر و دانش را می پرورید، و بخواهش این وزیر صاحب‌دل بسا کتابها نوشته شد، و آثار هنری پدید آمد، عمارات و بناها ساخته شد، مدارس و ابنیه خیریه و اوقاف آسایش اجتماعی برای مردم بنا نهاده شد.

در شخصیت امیر علی شیر سه نکته را توان گفت: که وی مرد دانشمند و دانش پرور و سیاست مدار مدبر اداره چی و در عین حال مردم پرور و دارای احساسات عالی نوع خواهی بود، در زمینه ادب خلایقی او در نظم و نشر زبان ازبکیست که پیش از او هیچ کس باین اندازه شعر دران زبان نگفته و نه دارای ایجادهای هنری بوده اند.

کران زمان در ماوآء النهر که سرزمین ثقافت و هنر بود، لهجه شرقی زبان ترکی یعنی چغتایی رواج داشت، و مردم به آن تکلم میکردند، ولی زبان ادبی و علمی دری بود، و دانشمندان و شعراء اکثر آثار خود را بدین زبان مینوشتند. ولی امیر علی شیر ملتفت این نکته بود، زبان مادری خود و زبان مردم خود را باید پرورید، و بنابراین بدین زبان شعر گفتن و نشر نوشتن و تالیف را اولاً خود وی آغاز کرد، او ممثل ثقافت معزوج خراسانی بود، و خود وی هم در پرورش و تقویه این فرهنگ سهم عظیمی گرفت.

زمانه و محیطی که عالم و شاعر صاحب‌دلی را مانند مولانا عبدالرحمن جامی و هنرور زبردستی را مانند بهرزاد بمیان می آورد، و شهزادگان هنرمندی را مانند بایسنقرو اولوغ بیگ می پرورد، پس صدراعظم این کشور هم باید مانند امیر علی شیر شخصیت گرامی و برزانده یی باشد.

صفارت و محامد شخصی و فضیلت علی و ادبی و کلتوری ذاتی نوایی را اگر بیکسو بگذاریم، شخصیت اجتماعی و مردم پروری و خدمات های او بمردم زیاده از آن در خور تمجید است. او وزیر بزرگ و مقتدر عصر خود بود، ولی در احترام و پرورش دانشمندان و شاعران و صاحب‌دلان و هنر مندان آنقدر توجه داشت که خمسته المتحیرین خود را در ستایش و تمجید مقام حضرت جامی نگاشت، در حالیکه او وزیر اعظم عصر بود، و جامی درویش شاعر و ارسته صاحب دل؛ و ازین نکته در می یابیم که امیر علی شیر با فرهنگ و دانش و هنر به چه اندازه علاقمندی و دلچسپی داشت.

بیجانیت که درینجا قول يك پادشاه دیگر تیموری، یعنی بابر در معرفی شخصیت نوایی بیاوریم، بابر می نویسد:

"علی شیر بیگ بنزاکت مشهور است...وی بینظیر کس بود...و با هل فضل و اهل هنر مثل علی شیر

بیگ مربی و مقری معلوم نیست که پیدا شده باشد، استاد قل محمد و شیخم نایی و حسین عودی که در ساز سرآمد بودند به تربیت و تقویت علی شیر بیگ اینقدر ترقی و شهرت کردند. استاد بهزاد و شاه مظفر در تصویر بسی و اهتمام علی شیر بیگ این مقدار معروف و مشهور شدند. این مقدار که او بنای خیر کرد کم کس این مقدار موفق شده باشد" (با برنامه ۱۰۹)

در باره شخصیت نوایی این قول بابر پادشاه مقتدر و مرد داعیه طلب آسیا میانه، که خود مرد صاحب قریحه و ذوق و مؤسس شاهنشاهی تیموریان هند است پدید میگرداند که نوایی را معاصرین و مردمان آن عصر به چه نظر قدر و حرمت می دیدند، و این مرد نامی حقاً در تاریخ این حصه آسیا و مخصوصاً هرات مقام شاخ و جاویدی دارد، که ابنیه خیریه او را از اوقاف و مدارس و مساجد و اسایش گامهای مردم تا (۳۷۰) شمرده اند.

چون این مرد بزرگ در هرات بدنیا آمده، و در همین شهر مدفون است، و کارنامه های ادبی و سیاسی و اجتماعی او هم جزو تاریخ ماست، بنا برین افغانان او را مرد بزرگ تاریخ خود می شمارند، و بمرقد او همواره احترام کنند، و ازینروست که من درین محفل مجلل به نمایندگی از احساسات هموطنان و بسیار خوش و قتیتم که مفاخر مشترك خود را در فضای صلح و صفا و دوستی و همکاری و برادری تقدیر میکنیم، و بر راهی روانیم که ما را بسر منزل سعادت و دوستی و انسان پروری و محبت هم نوعی و همسایگی میرساند:

بیا که قاعده آسمان بگردانیم  
قضا بگردش رطل گران بگردانیم  
ز چشم و دل به ما شامتند اندوزیم  
ز جان و تن به مدارا زیان بگردانیم  
گل افگیم و گلابی به رهذر پاشیم  
می آوریم و قدح در میان بگردانیم  
ز چوش سینه، سحرانفس فرو بندیم  
بلا گرمی روز از جهان بگردانیم